دادگاه کیفری

زن و مرد میانسال محاکمه شدند

سناریوی هولناک پرستار خانگی برای قتل شوهر

گروه حوادث / کامران علمدهی: مرد میانسال که با همدستی یک زن سناریوی قتل شوهر او را اجرا کرده بود در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد که فرزندان مقتول مادرشان را بخشیدند.

به گزارش «ایران»، تیر سال ۱۴۰۳ گزارش قتل مردی ۶۰ ساله با شلیک گلوله به سرش در یکی از بوستان‌های غرب تهران به پلیس اعلام شد.

با شناسایی خانواده مقتول همسر وی مدعی شد: «من قاتل را می‌شناسم. او مردی ۶۵ ساله است که مزاحم من می‌شد و ازمن باج خواهی می‌کرد. او همسرم را کشت.»

با این اظهارات متهم دستگیر شد و در بازجویی‌های فنی به قتل اعتراف کرد و گفت: «همسر مقتول قرار بود ۲۰۰ میلیون تومان به من بدهد تا همسرش را بکشم. از چند سال قبل با سمیرا آشنا شده بودم و او چندین بار درباره اخلاق و رفتارهای تند و خشن همسرش صحبت کرده بود و می‌گفت حاضر است همه اموالش را بدهد تا از او جدا شود اما او طلاقش نمی‌دهد. من هم شوهرش را کشتم و ۲۰ میلیون تومان هم پرداخت کرده است.»

در ادامه تحقیقات و با اینکه متهم اصلی در چند بازجویی دیگر و همین‌طور در بازسازی صحنه جرم به قتل با جزئیات اعتراف کرده بود در آخرین مرحله اعترافاتش را پس گرفت و مدعی شد: «من قاتل نیستم. شب حادثه سمیرا را دیدم که با اسلحه به همسرش شلیک کرد و بعد هم کلت را داخل ماشین من انداخت و سوار ماشینش شد و رفت من هم از ترسم اسلحه را به شهرستان بردم و مخفی کردم.»

با تکمیل تحقیقات برای مرد میانسال به اتهام مباشرت در قتل عمدی، شرب خمر و خرید و نگهداری اسلحه غیرمجاز و برای سمیرا به اتهام معاونت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه اعلام شد که پدر و مادر مقتول که خاله و شوهرخاله سمیرا

هستند در دادگاه حاضر نشدند و وکیلشان اعلام کرد که درخواستشان برای قاتل قصاص و برای همدستش اشد مجازات است.

سپس دو دختر مقتول به جایگاه رفتند و مدعی شدند مادرشان فریب خورده و گذشت بی‌قید و شرط خودشان را اعلام کردند.

در ادامه متهم اصلی به جایگاه رفت و با رد اتهاماتش گفت: «من نقشی در قتل نداشتم. در آن برهه به مشکل مالی خورده بودم که از سمیرا پول قرض خواستم و او هم ۲ بار ۱۰ میلیون تومان به حسابم واریز کرد. اسلحه هم مال من نبود بعد از قتل، سمیرا آن را به داخل ماشینم انداخت و من فقط آن را مخفی کردم.»

قاضی پرسید: «چرا در ابتدا با جزئیات به قتل اعتراف کرده بودی؟»

متهم جواب داد: «در بازجویی‌ها تحت فشار بودم از طرفی سمیرا به من گفته بود قتل را گردن بگیرم چون او می‌تواند از فرزندانش و خاله و شوهرخاله‌اش رضایت بگیرد اما وقتی فهمیدم از رضایت خبری نیست تصمیم گرفتم واقعیت را بگویم.»

پس از آن سمیرا به جایگاه رفت و گفت: «در ابتدا بگویم که هیچ‌کدام از ما قصدمان کشتن همسرم نبود. من زندگی خوبی با همسرم داشتم و ۳۷ سال باهم زندگی کرده بودیم. من در کار فروش لباس بودم و همسر متهم مشتری‌ام بود. از آن طریق با او آشنا شدم اما مدتی بعد همسرش فوت کرد و من هم کارم را عوض کردم و پرستار خانگی شدم. متهم همیشه به درمانگاه می‌آمد و درخواست تزریق آمپول تقویتی می‌کرد تا اینکه یک شب با اصرار من را سوار ماشینش کرد تا حرف بزند. از من خواست از همسرم جدا شوم و با او ازدواج کنم. من قبول نکردم و گفتم همسرم را دوست دارم و نمی‌توانم از او جدا شوم. وقتی می‌خواست به زور آزارم دهد فرار کردم ولی گوشی تلفنم در خودرواش جا ماند و به عکس‌ها و فیلم‌های خصوصی‌ام دسترسی پیدا کرد. او تهدید می‌کرد اگر به خواسته‌اش تن ندهم آنها را برای شوهرم می‌فرستد. بعد از آن دیگر مدام مزاحم من می‌شد و من هم از ترس اینکه شوهرم بفهمد سکوت می‌کردم تا اینکه زن دیگری گرفت و مدتی دست از سرم برداشت اما چند ماه بعد او را طلاق داد و دوباره به سراغ من آمد و تهدیدهایش شروع شد.»

سمیرا افزود: «شب حادثه من باید برای سرم تراپی به خانه بیماری می‌رفتم که متوجه شدم متهم جلوی خانه ما ایستاده. با تهدید مرا سوار خودرو کرد. در همان زمان شوهرم رسید و با دیدن من در آن وضعیت پرسید اینجا چه می‌کنی؟ از ترسم گفتم آمدم به این آقا دارو تزریق کنم که عصبانی شد و به من گفت برو خانه تا تکلیفت را روشن کنم بعد هم با متهم درگیر شدند و او هم با اسلحه همسرم را کشت.»

با پایان اظهارات متهمان، نماینده دادستان بار دیگر نسبت به اظهارات متهمان واکنش نشان داد و گفت: «هر دو متهم بارها به ماجرای قتل و همدستی برای حذف مقتول اعتراف کرده‌اند اما حالا اتهامشان را قبول ندارند. در تحقیقات مشخص شده که سمیرا رابطه خوبی با همسرش نداشته و حتی مهریه‌اش را هم به اجرا گذاشته بود. متهم ردیف اول هم طبق سند ضبط شده در مکالمه‌ای که از زندان با خواهر سمیرا داشته گفته به او بگو قتل را گردن بگیرد چون می‌تواند رضایت بگیرد و هردو نفرمان بعد از دو سه سال آزاد می‌شویم اما حالا موضوع را کتمان می‌کنند.»

با پایان جلسه دادگاه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

وصیتنامه مرد اعدامی جانش را نجات داد

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ مرد اعدامی که وصیت کرده بود بعد از مرگ اعضای بدنش را به بیماران نیازمند اهدا کنند، از سوی اولیای دم بخشیده شد.

به گزارش «ایران»، ۱۳ شهریور سال ۹۹ رهگذرانی که در حال عبور از یک خیابان بودند، متوجه مردی زخمی و خونین شدند و بلافاصله با اورژانس تماس گرفتند اما امدادگران پس از حضور در محل و معاینه وی، مرگش را تأیید کردند. گزارش مرگ مرد جوان به بازپرس کشیک قتل پایتخت و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد و به دنبال این خبر، تحقیقات آغاز شد. با حضور تیم جنایی، آنها به رد خونی رسیدند که به خانه‌ای در همان حوالی ختم می‌شد. کارآگاهان وقتی به سراغ خانه قدیمی رفتند، مشخص شد که پاتوق معتادان و موادفروشان است و مقتول نیز به آنجا رفت و آمد داشته است.

درگیری در پاتوق

صاحب پاتوق با دیدن مأموران هویت مقتول و عامل جنایت را برملا کرد و گفت: «فرشید به پاتوق ما رفت و آمد داشت. روز حادثه به همراه قاتل و یکی از دوستانش به پاتوق آمد. آنها شروع به کشیدن مواد مخدر کردند و نمی‌دانم سر چه موضوعی با هم بحث‌شان شد که بهروز، ناگهان چاقویی برداشت و چند ضربه به فرشید زد. فرشید که زخمی و خونین روی زمین افتاد، بهروز و دوستش، او را با خودشان بردند تا به بیمارستان برسانند. اما دیگر نمی‌دانم چرا او را کنار خیابان رها کرده بودند.»

بدین ترتیب کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت موفق به دستگیری متهم شدند. بهروز که در همان بررسی‌های اولیه به جنایت اعتراف کرد، در تحقیقات گفت: «من قبلاً با دختری به نام رویا دوست بودم. رویا هم به آن پاتوق رفت و آمد داشت و از این طریق فرشید او را می‌شناخت. اما بعد از مدتی رویا ناپدید شد و حتی شماره تماسش را نیز تغییر داد. شنیده بودم که فرشید از رویا خبر دارد و آن روز در حالی که هم قرص خورده بودم و هم مواد مصرف کرده بودم، سراغ رویا را از فرشید گرفتم اما گفت بی خبر است. سر این مسأله باهم دعوایمان شد و من با چاقو چند ضربه به او زدم. زمانی که فرشید خونین روی زمین افتاد، تازه متوجه شدم چه کاری کرده‌ام و به همراه دوستم او را از پاتوق بیرون آوردیم تا به بیمارستان برسانیم اما در مسیر فوت کرد و ما که خیلی ترسیده بودیم، او را کنار خیابان رها کردیم.

درخواست قصاص

با اعتراف متهم و با تکمیل تحقیقات، پرونده برای صدور حکم به دادگاه کیفری استان ارجاع شد. مرد جوان در دادگاه به دفاع از خود پرداخت اما باتوجه به اینکه مادر و دو فرزند مقتول خواهان قصاص بودند، قضات دادگاه کیفری حکم بر اشد مجازات صادر کردند.

با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور، پرونده برای اجرای حکم به دادسرای امور جنایی پایتخت ارجاع شد. در همین حین هیأت صلح و سازش دادسرا چندین جلسه صلح و سازش به ریاست قاضی کرمانی نژاد در دادسرای جنایی برگزار کردند اما اولیای دم همچنان خواهان قصاص بودند.

بهروز که خود را در چند قدمی مرگ می‌دید و امیدی به زندگی نداشت، وصیت کرد که بعد از مرگ اعضای بدنش را به بیماران نیازمند اهدا کنند.

اما زمانی که اولیای دم از ماجرای وصیتنامه او باخبر شدند، تصمیم گرفتند به خاطر رضای خدا از قصاص قاتل فرزندشان گذشت کنند. با گذشت اولیای دم، پرونده برای محاکمه از جنبه عمومی جرم به دادگاه کیفری استان ارجاع خواهد شد.

سارقان طلاهای زنان سالخورده به دام افتادند

دو سارق حرفه‌ای که با سوءاستفاده از اعتماد زنان سالخورده طلاهایشان را سرقت می‌کردند، دستگیر شدند.

سرهنگ کارآگاه امین‌اله بیرانوند فرمانده پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: «این پرونده با موضوع سرقت طلا از یک زن سالخورده از اردیبهشت امسال در دستور کار کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت و مشخص شد که ۲ متهم با استفاده از ترفندهای متقلبانه بویژه در معابر شهری و میادین میوه و تره‌بار تهران، زنان سالخورده را شناسایی کرده و با بهانه کمک در

انتقال خریدها، از طریق چرب زبانی اعتماد مالباختگان را جلب و در نهایت طلاهای آنان را به سرقت می‌بردند. یکی از متهمان به تازگی پس از تحمل ۱۰ سال حبس از زندان آزاد شده است. متهمان تاکنون به ارتکاب ۹ فقره سرقت دیگر به این شیوه اعتراف کرده‌اند و ارزش طلاهای مسروقه اعلامی از سوی شاکیان تا این لحظه، بالغ بر هشت میلیارد تومان برآورد شده است.»

وی یادآور شد: «بازپرس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۱۵ تهران از شهروندانی که از سوی آنها مورد سرقت قرار گرفته‌اند، خواست برای پیگیری موضوع به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ، واقع در سیدخندان، جنب کلانتری سیدخندان مراجعه کنند.»

مرگ کارگر در انفجار کارخانه طلای سفید

انفجار در کارخانه «طلای سفید» واقع در محور کلاله به گنبدکاووس منجر به مرگ یک کارگر و مصدوم شدن دو کارگر دیگر شد.

یک منبع کارگری به خبرنگار ایلنا گفت: «حوالی ساعت ۹:۲۱ صبح شنبه ۱۸ بهمن انفجاری در کارخانه «طلای سفید» واقع در محور کلاله به گنبد کاووس استان گلستان رخ داد که در نتیجه آن سه نفر از کارگران از ارتفاع یک سیلو گندم و غلات به پایین سقوط کردند. یک نفر جان خود را از دست داد و دو نفر دیگر مصدوم شدند.»

شرکت «طلای سفید» با داشتن سیلوهای بزرگ در زمینه نهاده‌های دام و طیور آبزیان فعالیت دارد.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۹۵۴

آسان

	۱			۲	۹			۸
۹			۳	۱			۴	
	۳		۸		۷		۵	
	۲			۶	۳		۷	۹
		۳				۱		
۱	۹		۲	۵			۸	
	۸		۴		۱		۶	
	۵			۸	۶			۷
۳			۵	۷			۹	

متوسط

۷	۹					۸		۵
	۴		۸		۵			
۵		۸		۹				
۶	۳	۲		۱				۸
		۹				۲		
۴				۶		۷	۹	۱
				۳		۶		۲
			۱		۷		۴	
۲		۴					۸	۷

سخت

		۶				۷	۴	۸
۳		۱			۸			
			۶	۷		۱		
	۱	۲		۳				
۴								۷
				۴		۳	۸	
		۳		۵	۲			
			۱			۶		۵
۸	۵	۹				۲		

خیلی سخت

۴				۶				۲
	۵		۲				۷	
		۳	۸		۱			
	۶				۳			۱
		۱				۳		
۳			۶				۴	
			۱		۴	۹		
	۴				۲		۶	
۲				۸				۴

حل جدول سودوکو شماره ۴۹۵۴

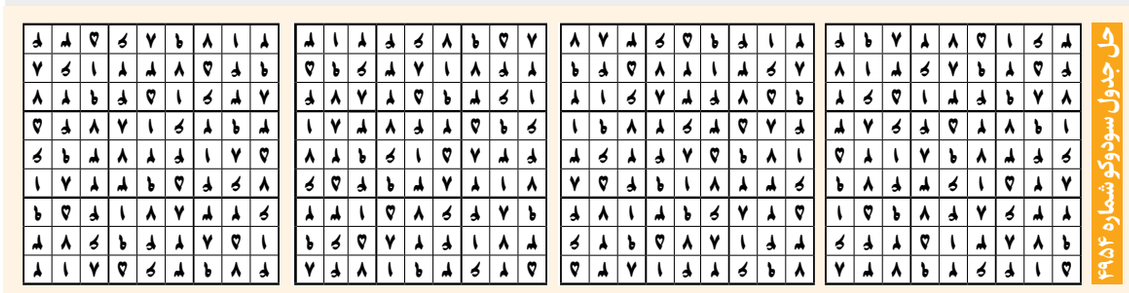

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۹۵۴

جدول عادی

افقی:

۱- از رنگ‌ها - آخرین تذکر
۲- قوس - دیگر - سخنان منظوم
۳- نام دیگر آهو - بافنده - راه فرار
۴- خاطر - عدد ورزشی - تعب و مشقت - مثل
۵- مخترع تلفن - برنامه ثابت صدا و سیما - شعری آهنگین که در مراسم سوگواری می‌خوانند
۶- کشور آسیایی - خانه‌خانه - ایالت «سوئیس»
۷- متداول - شواهد و ظواهر - متال
۸- کنایه از مهم نبودن و بی‌اعتبار بودن
۹- منظره - آلودگی، ناپاکی - علاج و درمان
۱۰- نت میانی - شهر کباب - واحد سطح
۱۱- شش‌ضلعی - مساوی، هم‌سنگ - مرطوب
۱۲- سود - در آغاز پیدایش یا فعالیت - دوش - یاری‌دهنده
۱۳- در امان و محفوظ - درازش نشانه پرگویی است - خواننده گروه گُر
۱۴- سال‌ها - اپرای کوچک خنده‌دار - پارچه‌ای نازک
۱۵- تشریح و آناتومی - عضو شامه

عمودی:

۱- فیلمی با بازی جواد رضویان و رضا شفیعی جم - عابد و زاهد
۲- خواست‌ها، گرایش‌ها - جمع شیء - فدراسیون شنا
۳- مرکز لیدیه بود - میوه ترش و شیرین - رسم و عادت
۴- شهر صنعتی آلمان - مجموعه حروف عددی - کافی - سره
۵- محافظ بافت نرم نوک انگشتان - طرد کردن - همایش جهانی
۶- پایه - نیاکان - جزوه‌دان
۷- حوضچه حمام - دگرگونی - درجه و حالت خوب
۸- از شهرهای شمالی کشورمان - عقیده انتخاباتی - تندرو
۹- هم‌سطح با هم - بندر استان خوزستان - پیراستن باغبان
۱۰- نایب - خانه مجلل - حرف زمین‌شوی!
۱۱- من و شما - ماسک - ضایع و فاسد
۱۲- همیشه - گنده‌کاری - ترشی و چاشنی - دوستدار
۱۳- از مصالح ساختمانی - سنگینی که بر جسم فرود می‌آید - واگیر
۱۴- سرنگون - نویسنده «کاندید» - ممارست
۱۵- نوشته‌های اصلی - ورزش قدرتی

جدول ویژه

افقی:

۱- دگرگونی - کارگردان فیلم «کلاغ»
۲- فرهمندی و سنگینی - سریالی با بازی مهدیس توکلی (۱۴۰۰) - جعبه مقوایی
۳- گل آپارتمانی - تنهایی و بی‌زنی - واژه استلزام
۴- تمرکز کامل حواس - جایگاه ویژه - جمله دستوری - از توابع «آسارا» کرج
۵- عید سال نو ویتنام - مرغ آتش - رهاورد زلزله
۶- گرایش - شخص دارای نفوذ و قدرت - چاشنی غذایی
۷- شریر - سنگینی قیمت‌ها - خضاب
۸- روماتیسم مفصلی
۹- عنصری شیمیایی با نام دیگر «زینک» - کتاب «داریو فو» - تبهکار
۱۰- شهر جشنواره - پدر عرب - منطقه حفاظت شده استان قزوین
۱۱- وحشت - درجات - جنس جنگجو
۱۲- امر به رفتن - شیفتگان - دهان - مساوی در شطرنج
۱۳- آشکار کردن - جناح لشکر - به اندازه
۱۴- ابزار هندسی - نان کاغذی - نشانی پستی
۱۵- نوعی آمپرسنج - دوستی

عمودی:

۱- فیلم سمیه زارعی‌نژاد - فریاد
۲- سخن درست - داخل - جمع رفیق
۳- باربر شهری - ورزشگاه اهواز - خرده کاغذ و چوب
۴- لقب اروپایی - جانوری با پوست گرانبها - رود «سوئیس» - میوه باب لواشک
۵- سیب آذری - به معنی چشمه آب - حرف جمع
۶- سیما - زیرک و نابغه - دستمال یا برس سنتی ژاپنی
۷- از افعال ربطی - علاقه و شوق نسبت به آینده یا رویدادی - شهر «نروژ»
۸- شغلش پاک کردن غلات است - وقت فعالیت - پابرجا
۹- تغییر - بدهکار - بت بی سر و پا
۱۰- مدت چیزی - ادعای باطل - فتنه
۱۱- سرکه - صندلی دندانپزشکی - ضمیمه
۱۲- سره - سودای ناله - لازم بودن - جد رستم
۱۳- کمد کشودار - زندگی - شاگرد مغازه
۱۴- بندپایی سمی - نوعی هورمون - نبرد و مبارزه
۱۵- نفس می‌کشد - رمان «دان دلیلو»

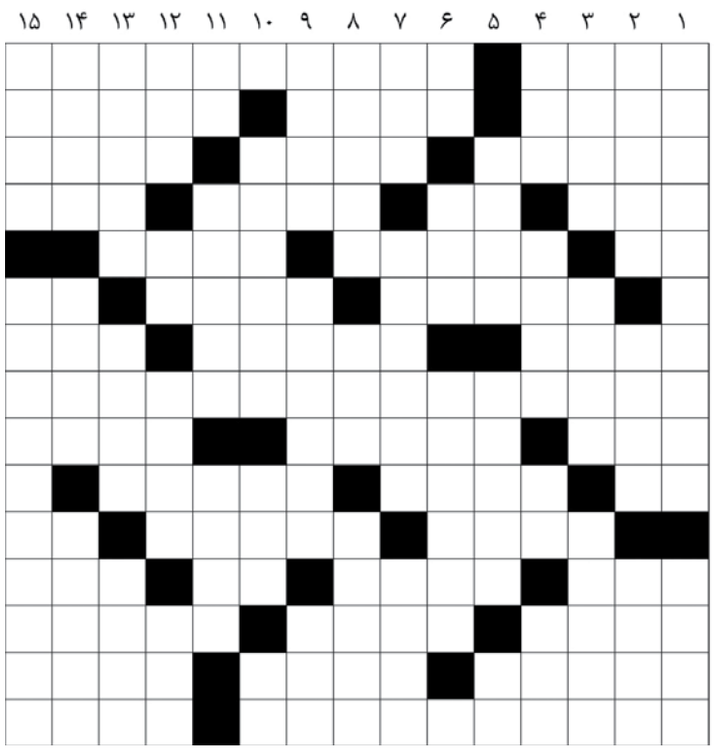

حل جدول عادی شماره ۸۹۵۳

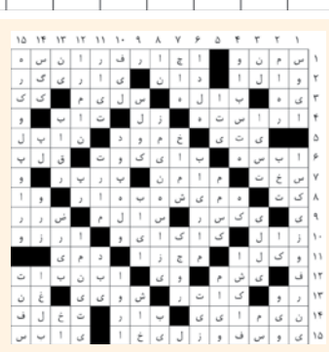

حل جدول ویژه شماره ۸۹۵۳